

صفحات ۱۹۷ - ۱۸۱

اخلاق منتظر در غیبت امام زمان (عجل الله)

سید علی موسوی^۱

چکیده

اخلاق بیان کننده صفت هایی است که انسان باید در خود ایجاد کند تا رفتارهای ارادی صادر شده از او همگی نیکو و پسندیده باشد و صفت های بد را از خود دور سازد. در واقع اخلاق همان فضیلت ها و رذیلت ها و راههای ایجاد فضیلت و مبارزه با رذیلت ها است و بطور کلی اخلاق شامل اعمال خوب و بد و وظایف و فضایل و رذایل می شود. اخلاق و وظایف منتظران واقعی در زمان غیبت، دوری از اعمال زشت و ناپسند و آراسته شدن به فضیلت های امام غایب علیه السلام و پیاده شدن عملی آنها در زندگی فردی و اجتماعی است. هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد و در عین حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.

ما سعی می نماییم در این مقاله در سه محور: الف) کارهای خوب و بد که منتظر واقعی آن را انجام یا ترک نماید از قبیل ثبات قدم و اعتقاد راسخ، جداسازی انسان های خالص از غیر خالص، وارث بودن منتظران بر روی زمین، رفتار متقابل امام غایب و منتظران، رفتارهای دینی منتظران واقعی. ب) کارهای واجب و حرام که منتظر واقعی آنها را باید انجام یا ترک کند شامل انتظار فرج و عدم یاس، تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت علیهم السلام، امر به معروف و نهی از منکر. ج) صفات اخلاقی منتظران که به فضایل متصف و از صفات رذیله دوری نمایند مانند تحمل و استقامت منتظر، برتری در ایمان، داشتن عقل و فهم و معرفت و موارد دیگر به اخلاق منتظران واقعی در زمان غیبت امام زمان علیه السلام بپردازیم.

واژگان کلیدی

اخلاق منتظر، غیبت امام زمان، انتظار فرج، فضایل و رذایل.

طرح مسأله

با توجه به روایات زمین هیچگاه از حجج الهی خالی نبوده است و اگر ساعتی از حجت الهی خالی باشد اهلش را فرو می‌برد این حجت یا ظاهر و مشهود است یا غایب و مستور و امام زمان علیه السلام از حجج الهی است که غایب و مستور است و این امر تازه‌ای نیست و سنت الهی در برخی از حجج الهی بوده و در مورد حضرت نیز رقم خورده است. گستره و وسعت اهدافی که خداوند برای امام زمان علیه السلام در نظر گرفته، طول غیبتی متناسب با آن را می‌طلبد تا زمینه ظهور منجی عالم بشریت بوجود آید تا علاوه بر اقامه توحید و عدل در سراسر عالم، استمرار نیز داشته باشد و از طرف دیگر خداوند به منتظرین واقعی امام زمان علیه السلام از عقل و فهم و معرفت آنقدر عطا می‌کند که غیبت برای آنها به منزله مشاهده است. و از طرفی فضیلت انتظار بقدری زیاد است که مومن در زمان غیبت حتی بیشتر از زمان حضور از اجر و پاداش و محبوبیت الهی برخوردار می‌گردد به شرط آنکه اخلاق منتظر را رعایت نموده و بر امر امامت ثابت قدم بماند. با توجه به آیات و روایات در ارتباط با اخلاق منتظر در زمان غیبت، روزی مستضعفان و منتظران واقعی بر روی زمین حکومت صالحان را برقرار خواهند نمود.

الف. کارهای خوب و بد منتظر واقعی

در حدیثی آمده است که خداوند به کسانی که در زمان غیبت بر امر امامت و ولایت آن حضرت استوارند و منتظر ظهور آن حضرت می‌باشند از عقل فهم و معرفت به اندازه‌ای به آنها عطا می‌کند که غیبت برای آنها به منزله مشاهده می‌شود و آنان همچون زمان ظهور از فیض وجود امام غایب به اندازه درجه ایمانشان بهره می‌برند.

بنابراین هرچند امام به دلایلی که ذکر شده غایب است اما خداوند مؤمنین را در سطحی از ادراک بالا می‌برد که توانایی ارتباط با امامی که در غیبت بسر می‌برد، را پیدا می‌کنند و به تعبیر روایات از نور ولایت آن حضرت روشن می‌گردند. (بنی هاشمی / ۴ / ۱۱۴ - ۱۱۳) و همچنین صاحب کتاب مکمال به همین خاطر بینایی و ادراک مومنین زمان غیبت را بسیار بالا و دارای روشنایی ولایی بیشتر می‌داند. (موسوی / ۲ / ۱۸۶)

ثبات قدمی و اعتقاد راسخ

از ویژگی‌های منتظران واقعی، ویژگی ثبات قدمی آنان بر ولایت است. منتظران حقیقی در زمان غیبت به لحاظ اعتقادی و عملی به ویژگیهای ممتازی در روایات توصیف شده اند به گونه ای که آنان در اوج اعتقادات دینی قرار داشته و ثبات قدم آنها بر ولایت و اهل بیت علیهم السلام مثال زدنی است. در روایتی پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله درباره ی اعتقادات آنان اینگونه می‌فرماید:

«قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ وَعَلِمَ إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ يَقِينًا قَوْمٌ

يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ وَ فَامْتَوُا بِسَوَادٍ فِي بِيَاضٍ»
(مجلسی، ج ۵۲، ۱۲۵، ح ۱۲ - صدوق، ج ۲۸۸، ح ۸)

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی بدان با عظمت ترین انسان ها به لحاظ یقین کسانی هستند که در آخر الزمان می آیند که پیامبری ندیده اند و حجت از آنها غایب است و آنان به سیاهی های روی سفیدی ایمان دارند. همانگونه که اشاره می شود در این حدیث شریف منتظرین زمان غیبت در اوج یقین در مقایسه با همه ی انسان ها قرار دارند و این در حالیست که پیامبر را ندیده اند و امام شان نیز در پس پرده غیبت بسر می برد؛ و تنها چیزی که در اختیارشان است احادیثی است که از حجج الهی به جا مانده است و اینان حتی به لحاظ اعتقادی از کسانی که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله را دیده اند و معجزات آن حضرت را از نزدیک مشاهده کرده اند؛ جلوترند و یقین شان نیز بیشتر است و این امر از اوج فهم و معرفت آنها حکایت می کند که آنان را به لحاظ اعتقادی تا چنین سطحی از یقین بالا برده است.

وارث بودن منتظران در روی زمین

در روایتی حضرت علی علیه السلام پس از اینکه بیان می فرمایند دنیا بعد از نامهربانی هایش به ما روی می آورد و مهربان می گردد؛ این آیه از قرآن را تلاوت می نمایند که خداوند اراده نموده است مستضعفان را امامان مردم و وارثان زمین قرار دهد.

((قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))
(مجلسی، ج ۵۱، ۶۴)

بنابراین از یک سو اراده خداوند بر حکومت صالحان قرار گرفته و از سوی دیگر تحقق این امر در گرو اجرای سنن الهی است که نمونه ای از آن در ارتباط بنی اسراییل و حضرت موسی علیه السلام بیان می گردد و در تاریخ صورت گرفته که از جمله این سنن سختیهای انتظار برای منتظران ظهور و غیبت حجت الهی می باشد.

دسته دیگر از آیات آیهاتی هستند که با توجه به تأویلی که راسخین در علم نموده اند، ارتباط این آیات با مسأله غیبت آشکار می شود؛ که در ذیل تعدادی از این آیات می آید:

اولین آیه ای که به این مسأله اشاره دارد آیه ۳۰ سوره ملک است که می فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» که روایات ذیل، این آیه را از جمله آیات در ارتباط با شرایط و منش منتظران غیبت امام زمان علیه السلام معرفی می نمایند به عنوان مثال امام باقر علیه السلام در تأویل این آیه می فرمایند اگر امام شما غایب از شما شود و ندانید کجاست چه کسی امام ظاهری خواهد آورد آن که اخبار آسمان و زمین و حلال الهی و حرام

الهی را برای شما بیاورد سپس امام علیه السلام فرمودند: تاویل این آیه نیامده است و حتما تاویل آن خواهد آمد. (صدوق / ۱۳۹۵ / ۳۲۵)

همچنین در روایت دیگری آن حضرت در ذیل این آیه فرمودند زمانیکه امام‌تان را نیافتید و او را ندیدید چه می‌کنید؟ (همان، ۳۶۰)

آیه دیگر که مساله غیبت را بیان فرموده است آیه ۱۶ سوره تکویر است که می‌فرماید «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ * الْجَوَارِ الْكُنُوسِ» قسم به ستارگان گردان که از دید نپنهان شود. که از امام باقر علیه السلام شخصی از این آیه سؤال کرد حضرت فرمودند چه مساله خوبی مطرح کردید این مولود نیست در آخر الزمان او مهدی از این عترت است که برای او حیرت و غیبتی است و اقوامی در این غیبت گمراه می‌شوند و اقوامی در این غیبت هدایت می‌شوند و بعد حضرت می‌فرماید خوشا به حال کسانی که این زمان را درک کنند (همان، ۳۳۰) و به عبارتی ستاره از دیده نپنهان شده امام غایب علیه السلام است.

آیه دیگری که در ارتباط با وضعیت منتظران غیبت است آیه ۱۴۲ سوره آل عمران، که می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» در ارتباط با این آیه امام رضا علیه السلام فرمودند: امر ظهور انجام نمی‌شود مگر اینکه در نتیجه امتحانات الهی مؤمنین از غیر مؤمنین جدا شوند و خالص‌ها که تعداد اندکی هستند بمانند. و در ادامه حضرت آیه مذکور را تلاوت فرمودند. (مجلسی، ۵۲ / ۱۴۰۴ / ۱۱۳ / ح ۲۴)

آیه دیگری که اخلاق منتظران غیبت امام زمان علیه السلام از آن استفاده شده است. «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (یونس ۱۰۲)

حضرت امام رضا علیه السلام در ذیل این آیه، مخاطبین را دعوت به صبر در زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌نماید و اینکه گشایش و فرج بعد از یاس می‌آید. (همان / ۱۱۰)

در آیه ۲۰ سوره لقمان نیز که می‌فرماید: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» که صحبت از نعمت‌های ظاهر و باطن می‌باشد؛ روایات اینگونه پرده از نعمات ظاهر و باطن برداشته‌اند:

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است و در ادامه می‌فرمایند در میان امامان کسی است که شخص او از چشم مردم پنهان می‌شود ولی یادش از قلوب مؤمنین پنهان نمی‌گردد و در ادامه به معرفی آن حضرت می‌پردازند. (صدوق / ج ۲ / ۳۶۸)

همانطور که ملاحظه می‌شود در این آیات از امام به ستاره و نعمت و آب گوارا تعبیر شده که زمانی می‌آید ستاره پنهان می‌شود نعمت در باطن قرار می‌گیرد و آب گوارای هدایت امام از دسترس دور می‌شود. همه این موارد به امام و حجت خدا که از چشم مردم پنهان شده و غایب

است و شرایط و منش منتظران، برمی گردد و آیات قرآن مجید، با توجه به آنچه مترجمین واقعی وحی الهی در تفسیر و تأویل آنها فرموده اند، مسأله غیبت را طرح کرده تا علاوه بر ایجاد آمادگی در بین مسلمین با مواجهه با امر غیبت حجت الهی، گرفتار یأس و حرمان در نبود ظاهری حجت نگردند.

رفتارهای دینی منتظران واقعی

منتظران واقعی، وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌بخشند که سنخیت کاملی با امام زمان (عج) داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق شیعه و پیرو واقعی او باشند.

امام باقر (ع) در تفسیر آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» آل عمران، آیه ۲۰۰ فرمود: «اصبروا»، یعنی صبر کنید بر ادای واجبات و «صابروا»، یعنی شکیبا باشید بر اذیت دشمنان و «رابطوا»، یعنی رابطه ناگسستنی با امام خود، مهدی منتظر (عج) داشته باشید» (النعمانی، ج ۱، ص ۲۳۴).

و یا در حدیث دیگری آن حضرت، امام زمان علیه السلام را از فرزندان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی کرده و فرموده است که: «او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و جور شد و آنگاه به غیبت آن حضرت اشاره فرموده و اینکه کسانی در زمان غیبت آن حضرت بر دین خود ثابت می‌مانند نایابتر از کیمیا خواهند بود (صدوق / ۱ / ۲۸۸ / ح ۷).

در حدیث دیگری از آن حضرت که فرموده است: «برای قایم ما غیبتی است که مدت آن طولانی است» در ادامه این حدیث کسانی از شیعیان را که در غیبت آن حضرت بر دین خود ثابت قدم باشند و بخاطر طول مدت غیبت به قساوت قلب دچار نشوند، چنین اشخاصی را با خود و هم درجه خود در قیامت معرفی کرده اند. (همان / ۳۰۳ / ح ۱۴)

اخلاق انبیای سابق در دوره غیبت شان

همه انبیاء در نزد خداوند متعال یکسان هستند، تنها تفاوت رتبه دارند؛ خود قرآن هم می‌فرماید: «فضلنا بعضهم علی بعض». (سوره بقره، آیه ۲۵۳) مثل یک کلاسی که دانش آموزان آن با هم تفاوت دارند، مثل یک مجموعه ای که با هم فرق دارند، انبیا (علیه السلام) نیز با هم تفاوت‌هایی دارند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از همه آنها بالاتر است همانطور که ملاحظه می‌شود هر چند در تاریخ انبیاء برخی از آنها غائب بوده و سنت الهی را در ارتباط با حجت هایش را آشکار می‌کند و از این جهت غیبت امام زمان مدلل می‌گردد اما غیبت انبیاء

گذشته متناسب با وظائف و اهداف آنها بوده و از این رو تا شرایط تحقق آن اهداف فراهم می‌آمد و خداوند صلاح می‌دانست، به امر خداوند ظهور و آشکار شدن آن حجت الهی تحقق می‌یافت و مأموریتش را انجام می‌داد. و از طرفی هیچ کدام از انبیاء گذشته مأموریتی به گستردگی امام زمان علیه السلام نداشتند؛ چه از جهت کمی و چه از جهت کیفی و لذا همانطور که روشن است یکی از عوامل مهم طول غیبت را مدت زمانی که زمینه سازی برای اهداف حجت الهی لازم دارد، تعیین می‌کند. در تاریخ انبیاء که ملاحظه می‌کنیم مأموریت آنان اغلب تبلیغ احکام و دستورات الهی بوده و نجات انسان‌ها در مقیاس محدود از دست ستمگران مد نظر بوده و بعد از نجات قوم نیز دین الهی حتی دچار تحریف و گرفتار بدعتها شده و قدرت طلبان و سودجویانی پیدا شدند که تمامی زحمات حجج الهی را نابود کردند حال اگر وظیفه حجت غایب، گسترش توحید و برقراری عدل در سراسر جهان باشد و این امر استمرار نیز داشته باشد علاوه بر غیبت، طول غیبت به مراتب طولانی‌تر از طول غیبت انبیا ی که غیبت داشته‌اند، باید داشته باشد. زیرا انبیا ی قبل نه اهدافی به این گستردگی داشتند و نه اهدافشان بعد از آن پیامبر، استمرار داشت. در ارتباط با امام زمان علیه السلام هر دو مورد یعنی هم وسعت اهداف و هم استمرار آن باید تضمین شود و لذا می‌طلبند تمام شرایط و زمینه‌ها محقق شود و خداوند است که می‌داند چه زمانی چنین واقعه عظیمی که تا کنون بوقوع نپیوسته، زمان مناسب آن است. و لذا غیبتی به مراتب طولانی‌تر باید آن حضرت داشته باشد.

در ادامه علل غیبت بیان شده از جمله اجرای سنن الهی در ارتباط با غیبت انبیا ی الهی و از طرفی اهداف بزرگی که خداوند برای امام زمان علیه السلام در نظر گرفته به هیچ وجه با اهداف حجج الهی قابل مقایسه نبوده و شاید بتوان گفت همه انبیا و اوصیا در یک نگاه عمیق‌تر، مقدمه چنین هدفی بوده‌اند زیرا که هر پیامبری زمینه ساز و مبشر ظهور پیامبر بعد از خود بوده‌اند تا این امر به پیامبر خاتم رسید که بشارت ظهور آن حضرت، در تورات و انجیل داده شده بود. هر چند دین پیامبر خاتم صلوات الله علیه و آله برای همه انسان‌ها تا قیامت است اما تحقق و اجرای اهداف آن به وصی خاتم احاله داده شده؛ به عبارتی دین کامل توسط پیامبر خاتم صلوات الله علیه و آله تبلیغ شد اما بطور کامل چه به لحاظ وسعت و چه از نظر محتوا اجرا نشد و کسی که دین کامل الهی را به طور کامل و در همه عالم گسترش خواهد داد امام زمان علیه السلام معرفی شد آن هم با یک مشخصه مهم؛ یعنی غیبت طولانی. به عبارت دیگر برنامه الهی که امام زمان علیه السلام دارند، هیچ پیامبری نداشته و اوج تحقق همه خواسته‌های انبیا در روی زمین است؛ یعنی اعتلای کلمه توحید و پر نمودن زمین از عدالت و لذا مهیا شدن زمینه برای چنین هدف عظیمی، زمانی طولانی می‌طلبند تا امری متحقق شود که همه جوانب عدالت در آن اجرا گردد.

رفتارهای متقابل امام غایب و منتظران

امام صادق علیه السلام در حدیثی به ابا بصیر می‌فرماید؛ سنت‌های انبیاء در ارتباط با غیبت‌هایشان همان سنت‌ها در مورد قائم ما اهل بیت حادث می‌شود. (صدوق / ۲ / ۳۴۵ / ح ۴۱)

نکته مهم دیگر این است که رابطه امام و مردم چگونه باید باشد و ما چگونه ایم؟ به عبارتی خداوند می‌خواهد ما نسبت به حجتش چگونه باشیم؟ در روایتی رابطه امام نسبت به مردم به رابطه روح به بدن مثال زده شده؛ روح هر آنچه بخواهد تمام اعضا و جوارح بی آنکه از خود نظری داشته باشند همان را انجام می‌دهند و چون سربازانی پا به رکاب مطیع و منقاد روح اند. در ادامه روایت حضرت می‌فرماید اینگونه سزاوار است از امام واجب الطاعه پیروی شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ اِغْلَمْ يَا فُلَانُ إِنَّ مَنْرِلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنْرِلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ الْوَاجِبِ الطَّاعَةَ عَلَيْهِمْ أَلَا تَرَى أَنَّ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شَرَطُ لِلْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ مُؤَدِّيَةٌ عَنْهُ الْأُذُنَانِ وَ الْعَيْنَانِ وَ الْأَنْفُ «۳» وَ الْيَدَانِ وَ الرَّجْلَانِ وَ الْفَرْجُ فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا هَمَّ بِالنَّظَرِ فَتَحَ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَ إِذَا هَمَّ بِالِاسْتِمَاعِ حَرَكَ أُذُنَيْهِ وَ فَتَحَ مَسَامِعَهُ فَسَمِعَ وَ إِذَا هَمَّ الْقَلْبُ بِالشَّمِّ اسْتَنْشَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَّى تِلْكَ الرَّائِحَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَ إِذَا هَمَّ بِالنُّطْقِ تَكَلَّمَ بِاللِّسَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالْحَرَكَةِ سَعَتِ الرَّجْلَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذُّكْرُ فَهَذِهِ كُلُّهَا مُؤَدِّيَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالتَّخْرِيكِ وَ كَذَا يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُطَاعَ لِالأَمْرِ مِنْهُ (مجلسی، بحار ج ۵۸، ص ۲۴۹)

حال اگر نه تنها چنین رابطه‌ای نباشد، بلکه مخالفت با حجت خدا صورت گیرد و کار به جایی برسد که کمر به قتل حجت خدا و امام واجب الطاعه خود ببندند، کاری که با یازده حجت الهی قبل کردند و فجیع‌ترین آن را در رابطه با مظلوم کربلا حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام صورت دادند. اینجاست که خداوند برای کسی که وظیفه برقراری عدل بر روی زمین را دارد، غیبت او را رقم می‌زند تا بماند و حداقل تعدادی پیدا شوند که امام شناس بوده و رابطه‌ای چون بدن با روح بین آنان و امام برقرار باشد. ولی تا آن روز خداوند حجتش را از مردم می‌گیرد و پنهان می‌نماید.

جدا سازی انسان‌های خالص از غیر خالص

جداسازی مومنین خالص از کسانی که به دروغ مدعی ایمان و ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند و یا در ادعای خود خلوص کامل را ندارند اینان در طی امتحان‌هایی که در زمان غیبت صورت می‌گیرد جدا شده و به صف کفار می‌پیوندند فلذا یکی از علل غیبت و طول مدت آن پاک شدن صف مؤمنین خالص از غیر مؤمنین است به عبارت دیگر پاک شدن صف انسان‌های با اخلاق از بی اخلاق است. در روایت آمده است آنقدر این پاک شدن و به تعبیر روایات غربال شدن ادامه می‌یابد که تنها خالص‌ها باقی می‌مانند و آنانی که غش و ناخالصی دارند، جدا می‌شوند. (مجلسی / ۵۲ / ۹۵ / ح ۱۰)

در حدیثی امام صادق علیه السلام در علت غیبت می‌فرماید: «لأنَّ الله عزوجل يُحبُّ أنْ يمتحن الخلق فعند ذلك يرتاب المبطلون»؛ زیرا خداوند متعال با این غیبت می‌خواهد خلقش را امتحان کند پس در این زمان اهل باطل به شک می‌افتند. (صدوق / ۲ / ۳۴۶ / ح ۳۳)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که به خدا قسم شما پاک می‌شوید و جدا می‌شوید و غربال می‌شوید تا اینکه عده‌ای کمی می‌مانند و مثال زده‌اند آن حضرت که شخصی آذوقه‌ای را ذخیره کرده و بعد از مدتی آنرا پاکسازی می‌کند و این امر را ادامه می‌دهد تا اینکه بعد از سه بار آن مقداری که باقی می‌ماند چیزی به آنها ضرر نمی‌رساند. (مجلسی / ۵ / ۲۱۶ / ح ۱)

این فرمایش و مثال حضرت حاکی از آنست که مدعیان ایمان در زمان غیبت امتحان می‌شوند و در این امتحانات در نهایت خالص‌ها که از تمام امتحانات پیروز بیرون آمده‌اند، باقی می‌مانند (صدوق / ۲ / ۳۴۵ / ح).

ب. اعمال واجب و حرام منتظر واقعی

شاید بتوان گفت مهمترین وظیفه که منتظران را در اوج خود نگه می‌دارد احساس حضور است بدین معنا که شخص منتظر از طرفی می‌داند که تمام اعمال و رفتار او در دید و منظر امام زمان علیه السلام است و از سوی دیگر خداوند به او از عقل و معرفت و قلم آنقدر عطا کرده که غیبت برای او به منزله‌ی مشاهده است از این رو در چنین شرایطی احساس حضور در زمان غیبت به او دست می‌دهد. در این رابطه روایتی از حضرت امیر علیه السلام نقل می‌شود:

رمیله نامی می‌گوید به بیماری سختی در زمان حضرت علی علیه السلام دچار شدم روز جمعه ای قدری احساس سبکی کردم و به خود گفتم بروم پشت سر حضرت امیر المومنین علیه السلام نماز بخوانم. وقتی به مسجد رفتم زمانی که حضرت به منبر رفتند، بیماری من عود نمود حضرت امیر علیه السلام بعد از بازگشت به من فرمود، ای رمیله دیدم که از درد به خود می‌پیچیدی گفتم، بلی و قضیه خود را تعریف کردم، حضرت فرمودند ای رمیله مومنی نیست که مریض می‌شود مگر آنکه ما نیز به واسطه‌ی مریضی او مریض می‌شویم و محزون نمی‌شود مگر اینکه ما نیز به حزن او محزون می‌شویم و دعا نمی‌کند مگر اینکه به دعای او آمین می‌گوییم و ساکت نمی‌شود مگر برای او دعا می‌کنیم. گفتم ای امیر المومنین خدا مرا فدای شما گرداند، این مطلب برای کسانی است که در اطراف شما می‌باشند. آیا شما کسانی را که در اطراف زمین هستند، می‌بینید، حضرت فرمود: ای رمیله، مومنی نه در شرق زمین و نه در غرب زمین از ما پنهان نیست (مجلسی، ج ۲۶، ۱۴۰، ح ۱۱). این حدیث شریف به احاطه‌ی آن بزرگواران نسبت به مومنین می‌باشد که از همه احوال آنان از مرض، حزن، سکوت و دعای آنان همه در معرض دید امام هر زمان می‌باشد و مومن در اینکه امام زانش او را می‌بیند، ایمان دارد.

از طرفی با توجه به روایت امام سجاد علیه السلام که فرمودند:

«یا ابا خالد انّ اهل زمان غیبته القائلون بامامته المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان لان الله تعالی اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهدة» (طبرسی، ج ۲، ۳۱۸)

امام در این حدیث می فرماید؛ منتظرین ظهور و قائلان به امامت آن حضرت، برترین اهل هر زمانی می باشند و دلیل آن را اختصاص یافتن عقل و فهم و معرفت ویژه از سوی خداوند متعال به آنها می دانند به گونه ای که این سطح از تعقل و معرفت که به آنان داده می شود، باعث می گردد مسئله ی غیبت به مانند حالت مشاهده شود و لذا احساس حضور از طرف منتظرین نیز نسبت به حضرت به آنان دست می دهد و آنان به گونه ای زندگی می کنند که انگار امام زمان علیه السلام را می بینند. با چنین احساسی است که از هیچ وظیفه ای در قبال آن حضرت فروگذار نیستند. بنابراین در ادامه ی روایت امام سجاد علیه السلام آنان را مجاهدین پیشاپیش رسول خدا، اهل اخلاص واقعی و شیعیان صادق معرفی می نماید.

امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ویژگی مهم مسلمانان و منتظران در عصر غیبت و حتی عصر ظهور آن امام همام پاسداری از دین و حفظ حقوق مردم و سلامت و نظم جامعه اسلامی است. هر فرد منتظر باید در برابر آحاد جامعه اسلامی احساس مسؤلیت کرده، در راه اصلاح و ساختن افراد تلاش نماید، تا جامعه و افراد آن آماده پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) شوند. اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و قانون امر به معروف و نهی از منکر در متن آموزه های اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

امام باقر (ع) فرمودند: «لیعن قویکم ضعیفکم و لیعطف غنیکم علی فقیرکم و لینصح الرجل اخاه النصیحة لنفسه» (طبری، ۱۴۲۰، ۱۱۳) توانمندان شما باید به ضعیفان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقرایتان مهربانی کنند، هر کس باید برادر دینیاش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.

قرآن کریم می فرماید: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» (آل عمران، آیه ۱۱۰) شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

همچنین امام صادق (ع) فرمود: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضة عظیمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یرتقیم الامر» (کلینی، ۱۳۵۶، ۱۵۶) بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریقه صالحان است. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای

سترگ و خطیر است که به وسیله آن سایر واجبات انجام می پذیرد و راهها امنیت می یابد و در آمدها حلال و مشروع می گردد، مظالم باز گردانده می شود، زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.

اگر همه منتظران واقعی خود را موظف به اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی بدانند، قدم های اولیّه برای نیل به جامعه ایده آل و مطلوب مهدوی برداشته می شود. انتظار نباید ابزاری برای بهانه و سستی و خمودی منتظران قرار گیرد. به بیان روشنتر سکون و بی تحرکی برای منتظران حضرت، خلاف آیات و روایات موجود درباره مهدویت و خلاف عقل و تعالیم حیاتبخش اسلام است، این است که یک مسلمان و منتظر برای تحقق آرمانهایی که از کتاب و سنت دریافت کرده همواره در تکاپو و تلاش باشد. برخی از این آرمانها عقیدتی است و برخی عملی مثل عدالت و اینها در پیوند با یکدیگرند.

محو ظلم و جهل، آرمانهایی است که قرآن برای مسلمان ترسیم می کند و مسلمان در تلاش برای تحقق این آرمانهاست و ارتباط این قضیه با مسئله مهدویت و منتظر این است که ما آن حضرت را قلّه این حرکت می دانیم؛ نه بدین معنا که آن حضرت باید به تنهایی این معضلات را رفع کند، که این تفکر قوم بنی اسرائیل در برابر حضرت موسی بوده است. بنابراین، بر همه مسلمانان به ویژه منتظران واقعی آن حضرت فرض است که در اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی تفکر و آرمانهای مهدویت از هیچ تلاشی دریغ نمایند.

یادکردن پیوسته ی امام زمان علیه السلام

در حدیثی امام کاظم علیه السلام فرمودند:

«يَقِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ وَ لَا يَقِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ» (مجلسی،

ج ۵۱، ۱۵۰، ح ۲)

هر چند شخص آن حضرت از دیدگان پنهان است اما یاد و ذکر آن حضرت از قلوب مومنین هرگز فراموش نمی شود. به عبارتی مومنین و منتظرین آن حضرت پیوسته به یاد ایشانند و با یاد و ذکر آن حضرت زندگی می کنند.

صبر و ثبات قدم بر ولایت ائمه علیهم السلام

از جمله وظایف مهمی که برای منتظر در زمان غیبت ذکر شده است، ثبات قدم در ولایت اهل بیت علیهم السلام است و این امر به حدی دارای اهمیت است که منتظری که ثبات قدم دارد اجر و ثوابش با هزار شهید برابری می کند. امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وَلايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ» (همان، ج ۵۲، ۱۲۵، ح ۱۳) هر کس برولایت ما در غیبت قائم ما ثابت قدم باشد، خداوند اجر هزار

شهید همانند شهدای بدر و احد را به او عطا می فرماید. ولایت دو نوع می باشد:

الف) ولایت تکوینی: این نوع ولایت بدین معناست که حضرات معصومان به اذن و اراده الهی، می توانند در مقام تکوین و عینیات خارجی، دخل و تصرف کنند، مانند معجزات انبیاء و کرامات اولیاء (ع)

ب) ولایت تشریحی: به معنای ولایت و سرپرستی جامعه و مؤمنین است. ائمه اطهار، هر کدام در زمان خود، ولی و سرپرست جامعه بوده و مردم را هدایت تشریحی می کنند. یکی از ویژگی مهم منتظران در زمان غیبت، چنگ زدن به ریسمان ولایت اهل بیت (ع) است. امام صادق (ع) فرمودند: «طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائم» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵). خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ولایت ما تمسک می جویند.

همچنین امام سجاد (ع) فرمودند: «من ثبت علی موالاتنا ولایتنا فی غیبة قائمنا اعطاه الله عزو جل اجر الف شهید من شهداء» بدر و احد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ۴۳۹) هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده به امامت م ثابت قدم باشد، خدای متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می کند.

و نیز امام صادق (ع) فرمود: «یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم امامهم زمانی بر مردم فرارسد که پیشوایشان از آنان غایب گردد. زراره پرسید: در آن زمان مردم چه کنند؟ امام فرمود: يتمسکون بالامر الذی هم علیه حتی یتبین لهم» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۴). به همان امر ولایتی که برآند چنگ زنند، تا برایشان آشکار شود.

عمل به وظایف (ورع و اجتهاد)

امام صادق علیه السلام کسانی را یاران امام زمان علیه اسلام معرفی کرده اند که می باید در کنار انتظار، به ورع و نیکویی های اخلاق نیز عمل کنند. در این حدیث امام صادق علیه السلام صراحتاً امر به ورع و محاسن اخلاق و انتظار در کنار هم کرده اند و شرط اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن را عمل به این سه وظیفه دانسته اند و چنین شخصی اگر بمیرد اجرش مانند کسی است که با ورع و محاسن اخلاق منتظر است تا امام زمان علیه السلام را درک کرده باشد.

«قال الصادق علیه السلام : من سره أن یكون من اصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر فإن مات و قام القائم بعده کان له من الأجر مثل أجر من أدركه فجدوا و انتظروا هنیئاً لکم ایئها العصابة المرحومة» (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۰۰) هر کس در دل دارد که از اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد پس باید در انتظار بسر برد و می باید به ورع و محاسن اخلاق عامل باشد در حالی که او منتظر است پس اگر بمیرد و امام زمان

علیه السلام بعد از او قیام کند همانند کسی که آن حضرت را درک کرده، برای او نیز اجر و ثواب می باشد پس تلاش کنید و منتظر باشید گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت الهی واقع شده. همانگونه که ملاحظه می شود حضرت در کنار انتظار، به تلاش امر می فرمایند و از منتظر، تلاش در جهت ورع و تقوا و محاسن اخلاق خواسته اند که اصل و اساس دین، اخلاق و ورع و تقوا است و منتظر با انجام این دو وظیفه ی دینی منتظر واقعی است.

انتظار فرج و عدم یاس

از دیگر وظایفی که در زمان غیبت برای منتظرین بیان شده، این است که در انتظار خود دچار یاس و ناامیدی نشوند و شبهات و وسوسه های شیطان آنان را به واسطه ی طول غیبت مایوس نکند و بدانند که هر چند این انتظار به طول بیانجامد عاقبت ظهور دولت حق اتفاق خواهد افتاد.

حضرت علی علیه السلام امر به انتظار فرج را در کنار مایوس نشدن چنین ذکر نموده اند:
 «قال امیر المومنین علیه السلام : اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ» (همان) منتظر فرج باشید و از روح الله نا امید و مایوس نگردید که همانا محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزّ و جلّ انتظار فرج است.

انتظار فرج مقرون به عدم یاس است و مایوس نشدن در طول مدت انتظار است که شخص را لایق عنوان منتظر می کند و وظیفه ی سختی است که به خاطر طول زمان انتظار فرج انسان دچار حالت یاس و حرمان نگردد و سرّ محبوب شدن منتظر در نزد خدا، شاید همین نکته باشد که منتظر تا زمانی که به یاس دچار نشده، منتظر است.

تمسک به آنچه به ما رسیده

در برخی روایات برای منتظرین تمسک و پایبندی به آنچه از ائمه علیهم السلام به ایشان رسیده، به عنوان وظیفه یاد شده است و فرموده اند در زمان غیبت به امر اولی تمسک جوید تا امر دیگر برایتان روشن گردد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:
 «فَتَمَسِّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى تَبَيَّنَ لَكُمُ الْآخِرُ» (همان، ۱۵۸) به امر اولی تمسک کنید تا زمانی که امر دیگر برای شما آشکار شود.

و یا در روایت دیگر، آن امام فرموده اند :

«فَتَمَسِّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَتَّضِحَ لَكُمْ الْأَمْرُ» (همان، ۱۵۹) تمسک کنید به آنچه در دستتان است تا امر برای شما واضح گردد.

و یا فرموده اند:

«فَتَمَسِّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ» (همان، ۱۵۹) به امر اولی که برآیند تمسک کنید تا برای شما حقیقت امر روشن شود.

علامه مجلسی پس از ذکر این دسته از روایات در بیانی اینگونه توضیح داده است که مقصود از این اخبار عدم تزلزل در دین و تحیر در عمل است یعنی این اخبار می خواهند بفرمایند در اصول دین و فروع آن به آنچه به شما از ائمه دین علیهم السلام رسیده، متمسک شوید و ترک عمل نکنید و منحرف نشوید تا امامتان ظاهر گردد. (مجلسی، ج ۵۲، ۱۴۰۴، ۱۳۲)

دعا برای فرج

از جمله وظایف مهمی که برای زمان غیبت، منتظرین به آن امر شده اند، دعا برای فرج امام زمان علیه السلام است و در این باره کثرت دعا خواسته شده است و مهمتر اینکه در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه صادر شده، امر به کثرت دعا برای فرج خواسته شده است. امام زمان علیه السلام در این توقیع که بدست محمد بن عثمان، نایب دوم آن حضرت رسید پس از بیان علت غیبت و چگونگی انتفاع از آن حضرت در زمان غیبت امر به کثرت دعا برای تعجیل فرج می نمایند.

آن حضرت می فرماید:

«وَأَكثَرُوا الدَّعَا بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجٌ كَمَّ» (طبرسی، ج ۴۷، ۲) و زیاد برای تعجیل فرج دعا کنید که قطعا همین فرج شماست.

این امر آن هم از ناحیه امام زمان علیه السلام یکی از وظایف مهم زمان غیبت را تعیین می نماید که منتظر دایما تعجیل فرج را از درگاه الهی خواهان است و اینکه در بخش های قبل گفتیم یاد آن حضرت پیوسته در دل منتظران است شاید با این حدیث شریف اینگونه جمع شود که منتظرین دایما در حال دعا برای فرج و ظهور آن حضرت می باشند و همین کثرت دعا طبق فرمایش امام زمان علیه السلام خود فرج و گشایش برای آنهاست.

اخلاق عالمان منتظر

برای علماء دین در زمان غیبت وظایف سنگین تری علاوه بر آنچه به عنوان وظایف عام ذکر شد، در روایات آمده است و آنان باید مردم را بسوی امام بخوانند و بر وجود آن امام راهنمایی کنند و از دین آن حضرت دفاع نموده و ضعیفان از بندگان خدا را از تورهای شیاطین و شبهات گمراهان نجات دهند و چنین علمایی برترین ها در نزد خداوند متعال لقب گرفته اند. امام علی بن محمد علیهما السلام فرموده اند:

«لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنِ دِينِهِ بِحُجْبِ اللَّهِ وَ الْمُنْقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ سِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا إِرْتَدَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمْسِكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَى لَكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (مجلسی، ج ۲۶، ۱۲) اگر علمایی نبودند که مردم را به سوی امام زمان علیه السلام فرا می خواندند و بر وجود آن حضرت دلالت

می کردند و از دین آن حضرت به واسطه ی حجت های الهی دفاع می کردند و ضعیفان از بندگان خدا را از تورهای شیطان و دام های نواصب نجات دهند، کسی نمی ماند مگر از دین خدا برمی گشت و آنها ایند که مهار قلوب ضعیفان شیعه را نگه می دارند همانطور که ناخدای کشتی سگان کشتی را می گیرد آنان برترین ها نزد خداوند متعال می باشند.

ج. فضایل و ردایل صفات اخلاقی منتظران واقعی

یکی از وظایف و بایسته های مهم منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است؛ یعنی، همان طور که قرآن می فرماید: «اگر می خواهید محبوب خدا باشید، تقوا پیشگی کنید»؛ این قانون در مورد حضرت مهدی (عج) نیز هست.

روایات زیادی بر این نکته تأکید دارند که انتظار فرج در زمان غیبت حجت خدا با فضیلت ترین اعمال می باشد. به عنوان نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۹۱، ۷۰)

تحمل و استقامت منتظر

از ویژگی های دیگری که عمل منتظران را ممتاز می سازد، میزان تحمل اهل ایمان در زمان غیبت است. به گونه ای که تحمل آنان از تحمل اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مراتب بیشتر دانسته شده است. تا جایی که اجر پنجاه نفر از یاران آن حضرت را دارند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ سَيَاتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَيْدَرٍ وَأَخَذَ وَ حُيْنٍ وَ نَزَلَ فِينَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ

در حدیثی دیگر تحمل و استقامت اهل ایمان در زمان غیبت را با ذکر مثال بیشتر تبیین شده است:

لَأَخَذَهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَا أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءَ مُظْلِمَةٍ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ص ۱۲۵)

صبر و استقامت اهل ایمان در زمان غیبت همانند کسی است که از درخت پر تیغ در شب ظلمانی بالا می رود و یا آتش در کف دست نگه داشته باشد. که هر دو، ضرب المثل صبر و تحمل و استقامت بوده و دینداری در زمان غیبت به جهت سختی چنین تحملی را می طلبد.

برتری در ایمان

دومین ویژگی منتظران واقعی، برتری آنان در ایمان است. در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صل الله علیه و آله منتظران در زمان غیبت را برادران خود نامیده و آرزوی دیدار آنان را کرده اند. عنوانی که بسیار حائز اهمیت است و موجب شد اصحاب آن حضرت به این عنوان غبطه بخورند

و بگویند یا رسول الله مگر ما برادر شما نیستیم و حضرت بفرماید که شما اصحاب من هستید ولی برادرانم کسانی اند که در آخر الزمان در حالیکه مرا ندیده اند به من ایمان آورده اند و در این فرمایش پیامبر اکرم صل الله علیه و آله، برتری ایمانی منتظرین، بر اصحاب خود آن حضرت کاملاً مشهود است (مجلسی، ج ۱۲۴، ۵۲، ح ۸) و (صدوق، ۱۴۰۴، ۵۲، ق)

نقش هدایت‌گری منتظران

مطلب دیگر ثبات قدم منتظران در اعتقادات شان بخصوص به ولایت اهل بیت علیهم السلام در زمان غیبت می باشد؛ و این امر به حدی دشوار است که به بالا رفتن از درخت پر از تیغ در شب تاریک و یا آتش در دست گرفتن تشبیه شده است :

«أَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ النَّضَاءِ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ» (مجلسی، ج ۱۲۴، ۵۲، ح ۸) در این حدیث شریف به یکی دیگر از ویژگیهای منتظرین اشاره شده است که آنان چراغ های هدایت در ظلمات و تاریکی اند؛ به عبارت دیگر آنان همچون مشعلی فروزان در زمان غیبت اند که باعث هدایت دیگران می شوند. در برخی روایات دیگر منتظرین امام زمان علیه السلام در عصر غیبت مصداق متقین معرفی شده اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام اینگونه آمده است:

«عن أبي عبدالله عليه السلام في قول الله عزَّ وَّ جَلَّ هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ قَالَ مَنْ أَقْرَبَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ» (صدوق، ج ۲، ۳۴۰، ح ۱۹) در این روایت، امام صادق علیه السلام، متقین را که از هدایت خاص قرآن برخوردارند و اولین ویژگیشان هم که ایمان به غیب است را اقرار به قیام امام زمان علیه السلام و حقانیت آن دانستند.

دارای عقل، فهم و معرفت

از جمله مهمترین ویژگیهای منتظرین امام زمان علیه السلام، اختصاص آنها به عقل و فهم و معرفت ویژه است که خداوند متعال به آنها عطا کرده و با این ویژگی امام سجاد علیه السلام آنان را برترین افراد تمام زمان ها لقب داده است :

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: تَمَتَّدُ الْغَيْبَةَ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْإِمَّةِ بَعْدَهُ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْإِفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالسَّيْفِ أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا شَبِعْنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءَ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا» (مجلسی، ج ۵۲، ۱۲۲، ح ۴)

در این روایات منتظرین امام زمان علیه السلام به ویژگیهای منحصر به فردی توصیف شده

اند که به ترتیب می‌توان اینگونه از آنها نام برد با فضیلت‌ترین اهل هر زمان، اختصاص یافتن به عقل و فهم معرفت از جانب خدا، غیبت برای آنان همانند مشاهده است. آنان به مانند مجاهدینی هستند که پیشاپیش پیامبر اکرم صل الله علیه و آله با شمشیر در حال مجاهدت هستند، اهل اخلاص واقعی، شیعیان صادق، دعوت‌کنندگان به سوی دین خدا در آشکار و نهان و چنین ویژگی‌هایی است که انتظار در آن معنای واقعی خود را پیدا می‌کند و لذا در صف انتظار فرج آن حضرت قرار گرفتن خود توفیقی است عظیم و گشایشی است عظیم تر و به خاطر همین در پایان حدیث امام سجاد علیه السلام فرمودند: «إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَاجِ» (همان) یعنی خود انتظار فرج از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست که انسان باید تلاش کند آن را به دست آورد.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، منتظر کسی است که اخلاق و اوصاف ذکر شده برای منتظرین را داشته باشد و وظایف زمان غیبت را نیز انجام دهد. با توجه به آنچه که ذکر شد او به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد چه از جهت اعتقادی و چه از جهت عملی در اوج بسر می‌برد. فلذا عنوان منتظر با اخلاق در چنین بستری معنا می‌یابد و واژه‌ی اخلاق منتظر واقعی با این اوصاف و انجام وظایف زمان غیبت لایق شخص می‌گردد. بنابراین وقتی در زمان انتظار کسی منتظر با اخلاق نام می‌گیرد با چنین اوصافی و وظایفی که برای منتظر ذکر شده، فهمیده می‌شود.

منتظرین با اخلاق و واقعی در اوج یقین و اعمال صالح قرار دارند آنان برادران رسول خدا صل الله علیه و آله لقب گرفته‌اند، مصداق متقین‌اند، برترین افراد تمام زمان‌ها نامیده شدند، خداوند آنها را از عقل و معرفت و فهم ویژه‌ای برخوردار کرده است و مهمتر اینکه آنان در زمان غیبت احساس حضور امام غایب را دارند و پیوسته آنان، آن حضرت را یاد می‌کنند و هیچ‌گاه بر اثر طول غیبت و مدت انتظار مایوس نشده و در ورع و حُسن خُلق پیشرو می‌باشند. با چنین اوصاف و وظایف و در حالیکه نه پیامبری دیده‌اند و امامشان نیز از آنها محجوب است، این اوج دینداری و اخلاق‌مداری است.

فهرست منابع

۱. قرآن
۲. الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۶) اصول کافی، مترجم: سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار، ج ۵، قم، مؤسسه الوفاء.
۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). ج ۵۲، قم، مؤسسه الوفاء.
۵. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۳۸۹). مکیال المکارم، ج ۱، قم، مسجد جمکران.
۶. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۳۸۹). مکیال المکارم، ج ۲، قم، مسجد جمکران.
۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۳). الخصال، ج ۲، قم، جامعه مدرسین.
۸. _____ (۱۳۹۵). ج ۲، تهران، انتشارات اسلامیة.
۹. بنی هاشمی، سلسله بحث‌های مهدویت، بی تا.
۱۰. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۴۰۷). تجرید الاعتقاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الاحتجاج، ج ۲، مشهد، نشر المرتضی.
۱۲. شیخ مفید. رسایل فی الغیبه، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، بی تا.
۱۳. سید مرتضی (۱۳۹۷). کتاب الغیبه، تهران، نشر صدوق.
۱۴. سید مرتضی (۱۳۹۷). کتاب الغیبه، تهران، نشر صدوق.
۱۵. قزوینی، محمدکاظم (۱۳۸۷). امام مهدی از ولادت تا ظهور، الهادی.
۱۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم. الغیبه للنعمانی، تهران، نشر صدوق، بی تا.
۱۷. طبری، عماد الدین (۱۴۲۰). بشاره المصطفی لشیعته المرتضی، الأملی الکتبی، قم، جامعه مدرسین.
۱۸. شیخ صدوق (۱۳۹۵). کمال الدین، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامیة.
۱۹. شیخ صدوق (۱۳۹۵). کمال الدین، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامیة.